

بیا بخندیم

ناخدا  
۲  
ریش آتشی

دزد آب زیرگاه دوست داشتنی

بیا  
Hoopa

# ناخدا

## ایش آنتشی

دزد آب زیرگاه دوست داشتنی



نویسنده: چی استراتی  
تصویرگر: آنا چرنی شووا  
مترجم: نلی محجوب

سرشناسه: استریتی، چای  
Strathie, Chae

عنوان و نام پدیدآور: دزد آب زیرکاه دوست داشتنی / نویسنده چی استراتی؛  
تصویرگر آنا چرنی شووا؛ مترجم نلی محبوب.

مشخصات نشر: تهران هوپا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.مصور.

فروست: ناخدا ریش آتشی؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۳۲-۸-۱۳۴-۲ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۳۴-۲-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: The sneaky sweet stealer.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های کودکان انگلیسی

موضوع: Children's stories, English

شناسه افزوده: چرنی شووا، آن، تصویرگر

شناسه افزوده: Chernyshova, Anna

شناسه افزوده: محبوب، نلی، ۱۳۵۱ - مترجم

رده بندی دیویی: ۵۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۱۱۰۵۵

## ناخدا ریش آتشی

### دزد آب زیرکاه دوست داشتنی

نویسنده: چی استراتی

تصویرگر: آنا چرنی شووا

مترجم: نلی محبوب

ویراستار: نسرین نوش امینی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: بهار یزدان سپاس

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۱۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۳۲-۸-۱۳۴-۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۳۴-۲

هوپا  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱.

واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۰۲۱۸۹۹۸۶۳۰

www.hoopa.ir info@hoopa.ir

■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

■ هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و

در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

Captain Firebeard 2: The Sneaky Sweet Stealer

Text copyright © Chae Strathie, 2017

Illustration copyright © Anna Chernyshova, 2017

Persian Translation © Houpa Publication, 2020

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری

نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این

کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن

(Scholastic) خریداری کرده است.

### رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، چی استراتی و ناشر خارجی

آن، اسکولاستیک برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران

و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده،

یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان

فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند.

بدون اجازه و رضایت چی استراتی این

کار را کرده است.



برای ناخدا یوآن و ناخدا آدام  
بهترین دزدان دریایی که می‌شود همکارشان شد.  
البته نه خزندهی دریایی هستند، نه حلزون دریایی،  
نه حتی ستاره‌ی دریایی.





«طوطی ام کجاست؟»

# کسی طوطی ام رو ندیده؟

«وایسا ببینم. من که هنوز چمدونم رو **باز**  
نکردم.»

دوید سمت اتاقش.

تق و توق کنان چمدان گنده‌اش را سروته کرد،  
همان چمدانی که یک برچسب گنده‌ی جمجمه با  
دو تا استخوانِ ضربدري رویش بود.  
یک دفعه چمدان باز شد.

تامی فریاد زد: «**مک بکی!**»

جوراب زردی کش آمد. تامی داد زد: «مک بکی!

رفتی توی جوراب؟»

روز اول دوره‌ی جدید مدرسه‌ی ناخداریش آتشی  
بود و تامی دوباره دیرش شده بود.

از توی اتاقش داد زد: «مامان، مک بکی رو  
ندیدی؟»

مامان همان‌طور که روی پله‌ها ایستاده بود،  
جواب داد: «راستش دیروز قبل از اینکه برگردیم  
خونه، گذاشتمش توی چمدون، پس توی هتل جا  
نداشتیمش.»

تامی غرغر کرد: «توی چمدون؟ آخه کی طوطی  
رو می‌ذاره توی چمدون؟»

بلند شد و ایستاد.



جوراب گفت:  
«کشتی خودمه! خودت گفتی!»  
«مک بکی!»  
«صدات رو بپز،  
بهم بگو ناخدا مک بکی.»



تامی فریاد زد:

«مک بکی! بیدار شو!»

و جوراب را برگرداند و طوطی همان طور که خواب و بیدار بود، از توی جوراب افتاد بیرون.

«ای فغان! خیلی ممنون! داشتم

رؤیای خوبی می‌دیدم واسه خودم.»

تامی طوطی گنج و کج و کوله را بلند کرد و پوستر ناخدا ریش آتشی را که درست بالای تختش نصب شده بود، بهش نشان داد. «می‌دونی چه بلایی سرمون می‌آره اگه به موقع خودمون رو به کشتی

صدفِ پوسیده نرسونیم؟ باید قبل از ساعت ۹

برسیم مدرسه!»

مک بکی قُلپی آب دهانش را قورت داد، یک قُلپِ طوطی‌ای!

فریاد زد: «تخته، دریا، کوسه‌ها، اصلاً خوب نیست.»

تامی تکرار کرد: «نه، اصلاً خوب نیست، پس

بزن بریم.»

تامی به سرعت کیفش را برداشت و همان طور که از روی پله‌ها به سمت آشپزخانه می‌دوید، دستمال‌گردنش را بست.



تامی گفت: «دزدهای دریایی پُفی؟ وای!  
هووووووووممممم... خیلی خوشمزه است! فکر  
کنم بتونم یکی دو دقیقه وقت بذارم.» نشست.  
**عاشق** دزد دریایی پُفی بود.

بابا گفت: «یوهو! عزیز دل نازنینم،  
صبحانه حاضره.»  
تامی غرغر کرد: «وقت ندارم. داره دیرم می شه.»  
بابا همان طور که جعبه‌ی جذابی را تکان می داد،  
گفت: «دزد دریایی پُفی داریم.»



را تا جایی که می‌شد، پُر از چیپسِ موز کرد.

## «خوشمزه است!»

تامی گفت: «مامان، بابا، خداحافظ.» و آماده کنار در ایستاد.  
مامان با نگرانی گفت: «خداحافظ عزیزدم، مراقب موجودات رذل بدجنس و سگ‌های دریای شور باش.»

بابا غلات را ریخت توی کاسه.

مامان هم به مک‌بکی چیپسِ موز داد که خیلی دوست داشت.

تامی دزد دریایی‌های پُفی را ریخت توی دهانش، تندوتند، تا جایی که دهانش جا داشت.

مامان هشدار داد: «مراقب باش، نمی‌خواهی که پیره توی گِلوت.»

تامی با بیشترین سرعت ممکن غذایش را خورد و از روی صندلی پرید پایین و گفت: «بدو مک‌بکی، پا شو! از جات تکون بخور!»  
طوطی غُرغُر کرد: «خوشمزه است!» و نوکش





و ماریچی جلو می‌رفت و داد می‌زد که مردم از  
جلوی راهش کنار بروند، با عجله به سمت لنگرگاه  
می‌رفت.



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کِرم استفاده می‌کند؛ زیرا:  
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛  
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛  
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر